

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((باهمکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۰۳۳۰۱/۱۵۲۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۱۹/۰۲۵ رده بندی کنگره: الف ۷۸۵۱۵/۹۰۳

بررسی و تاثیر سیستم آموزشی کشور بر فرهنگ جامعه

پریسا شهبنده

چکیده

فرهنگ عنصری است که شامل همه کنش ها و واکنش های فرد و محیط پیرامون او با بعد زیرین زندگی گروه های اجتماعی می شود، یعنی مجموعه روش ها و شرایط زیست یک جامعه بر اساس بنیاد مشترکی از سنت ها و دانش و نیز اشکال مختلف بیان جایگاه فرد در درون جامعه، به هم پیوند خورده است و تنها با دخالت عوامل فرهنگی در راه حل های انتخاب شده برای توسعه می توان به طور کامل نیازها و خواست های گروه های اجتماعی و ملت ها را برآورده ساخت. دانشگاه در سده های میانه، نقش تک بعدی داشته و صرفا وظیفه انتقال دانش را به عهده داشته است. با گذشت زمان، در قرن نوزدهم، مدارس و دانشگاه علاوه بر انتقال دانش، وظیفه تولید دانش را نیز عهده دار شد. دوران پس از جنگ جهانی دوم، دوران رشد بی سابقه بوده است. در این دوران، آموزش عالی تقریبا در همه جوامع نوین، نقش محوری داشته و این نقش همچنان رو به فزونی است. دانشگاه با هدف ایجاد، تعمیق، رشد و توسعه سنت علمی کشورها ایجاد می شود. همچنین هدف عالی سنت علمی در دانشگاه ها، هدایت و توسعه مبانی فکری و ارزشی دانشجویان و زایش و اخلاق علمی است تا به کمک آن، مسائل و نیازهای جامعه تامین شود. لذا فرهنگ، زیربنای سایر مولفه های قدرت ملی است و به آنها هویت و جهت حرکت می دهد. با عنایت به توضیحاتی که دادیم از این رو بر دولتمردان و مسئولان کشور لازم و ضروری است که این مبانی را در نظام آموزشی (مدارس و دانشگاه ها) مورد بررسی قرار داده و امکان نهادینه سازی آنها را در کشور فراهم کنند.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، فرهنگ، نظام آموزشی، تعلیم و تربیت، دانشگاه، مدرسه

بخش اول: بررسی مفهوم فرهنگ و عناصر آن با مداخله در اهمیت فرهنگ در سیستم آموزش کشور

برویس کوئن^۱ معتقد است فرهنگ را می‌توان مجموعه ویژگی‌های رفتاری عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص تعریف کرد اما شاید بتوان گفت جامع‌ترین تعریف از فرهنگ متعلق به تایلور^۲ است که می‌گوید فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که معرف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتارها و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد و در قبال آن جامعه تعهداتی به عهده دارد (نخعی، ۱۳۸۷). از طرف دیگر توسعه کشورها از طریق اطلاع‌رسانی می‌تواند برای بیان فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها به کار گرفته شود و با توجه به اینکه مقوله فرهنگ در توسعه کشورها یکی از حوزه‌های مهم است در این پژوهش نگارنده سعی می‌کند مقوله‌هایی را که زمینه ساز توسعه بوده و می‌توانند در توسعه فرهنگی تاثیر داشته باشند و در برنامه ریزی‌های بلند مدت مورد توجه قرار می‌گیرند مطرح نماید و به سوال "توسعه فرهنگی چیست؟ و دارای چه مولفه‌هایی می‌باشد؟" را پاسخ دهد. تعریف و ویژگی‌های فرهنگ و مفهوم فرهنگ نخستین بار توسط مردم شناس انگلیسی، سرادوارت بارنت^۳ در سال ۱۸۷۱ به کار گرفته شد. وی فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده می‌داند که شامل: دانش‌ها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت‌ها و عادت‌هایی که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا می‌گیرد. به تعبیر دیگر فرهنگ عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها، رفتارها و موضوعاتی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (رامشک، ۱۳۸۸). فرهنگ دارای دو عنصر مادی و غیر مادی است که ویژگی‌های آن به شرح ذیل می‌باشد: فرهنگ‌ها و جوامع در سطح بسیار وسیعی ناهمگون هستند. این حالت به ویژه زمانی بیشتر مشهود است که هویت

^۱-Brevis Cohen

^۲-Taylor

^۳-Sir Eduart Barnet

های ملی وسیعی به عنوان جایگزین هایی برای فرهنگ ذکر می شوند (همان منبع). فرهنگ، عاملی است که با زمان، جغرافیا، تاریخ، مذهب، طبقه اجتماعی، نژاد، شهرنشینی، روستائینشی، ملیت و مقولات بسیار دیگری در هم می آمیزد. فرهنگ ها از طریق مسافرت، تجارت، وسایل ارتباط جمعی، گروه های تبلیغی و دیگر منابع تغییر و توسعه می یابند. فرهنگ غریزی نیست بلکه آموختنی است (رامشک، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر فرهنگ از عادات و تجربیاتی تشکیل می شود که افراد در طول حیات خویش می آموزند. فلسفه وجود تعلیم و تربیت در جامعه انسانی براساس همین ویژگی است. فرهنگ افراد یک جامعه را قادر به پیش بینی رفتار یکدیگر می کند به طوری که افراد می توانند برحسب رفتار و گفتار خود، واکنش های دیگران را از پیش تشخیص دهند و بدانند که برای دریافت واکنش مطلوب چه رفتار و گفتاری باید داشته باشند (همان منبع).

"ریموند ویلیامز"^۱ در کتاب کلید واژه ها معتقد است که مفاهیم فرهنگ در سه نوع کاربرد رایج انعکاس یافته است.

- تعاریفی که اشاره به رشد فکری، روحی و زیبا شناختی فرد، گروه یا جامعه دارند.
- تعاریفی که در بر گیرنده فعالیت های ذهنی و هنری و محصولات آن ها مثل فیلم، موسیقی و تأثر است.
- تعاریفی که بر مشخص کردن کل راه و رسم زندگی و فعالیت ها، باورها و آداب و رسوم تداومی از مردم، یا یک جامعه تأکید دارد.

"گی روشه"^۲ با الهام از تعریف دورکیم از واقعیت اجتماعی، فرهنگ را «مجموعه به هم پیوسته ای از شیوه های تفکر، احساس (هیجان) و عمل دانسته است که توسط تعداد زیادی افراد فرا گرفته می شود و بین آن ها مشترک است». (ابراهیمیان، ۱۳۹۰).

^۱-Raymond Williams

^۲-Gay Roche

بند اول: عناصر فرهنگ و مولفه های آن

فرهنگ، سازمانی نظام دار و سیستمی پویاست (لسلی^۱، ۱۳۷۹، ص ۵) که در آن، مفهوم نظام و سیستم، وجود اجزاء، عناصر و روابط متقابل را به ذهن متبادر می سازد. عنصر فرهنگی، کوچک ترین واحدیک فرهنگ است که از یک جزء یا بخشی که به عناصر و بخش های دیگر تقسیم پذیر نیست، تشکیل می شود. برخی عناصر فرهنگی، مادی است و بیش از یک شیء ساده نیست، مثل انگشتر، عصا. و برخی دیگر مادی نیست، بلکه الگوی رفتاری است، مانند دست دادن، سلام کردن، نماز گزاردن و (کوئن^۲، ۱۳۷۲: ۷۹)

"لسلی ا. وایت"^۳ هر ساختار فرهنگی را متشکل از چهار عنصر صنعتی (تکنولوژی)، اجتماعی (آداب و رسوم، نهادها، و قواعد و الگوهای رفتار افراد با یکدیگر)، عقیدتی (باور داشته‌ها) و نگرشی (احساسات یا طرز فکری برای ابراز وجود) می داند و اظهار می دارد که تکنولوژی، شالوده اساسی نظام فرهنگی را تشکیل می دهد و تغییر و تحول در آن موجب تغییر و تحول در سایر بخش ها می شود. (وایت^۴، ۱۳۷۹: ۵) علامه محمد تقی جعفری، فرهنگ را دارای دو عنصر ثابت و متغیر می داند، عنصر متغیر، مستند به نیاز های متغیر بشری در بستر زمان است که متناسب با شرایط مختلف متفاوت می گردد و عناصر ثابت فرهنگی، مستند به نیازهای فطری و ذاتی بشری است که گذشت زمان تاثیری در ماهیت آنها نمی گذارد و مانند عنصر کمال، عنصر احترام عنصر اشتیاق به داشتن حیات شایسته و تصحیح و تنظیم ارتباط چهار گانه انسان با خویشتن، خدا، جهان هستی و هم نوع (جعفری، ۱۳۷۳: ۳۳)

^۱ -Leslie

^۲ -Cohen

^۳ -Leslie White

^۴ White

بند دوم: اهمیت فرهنگ و نقش نظام سیستم آموزشی در کشور

الف. فرهنگ و روابط دنیای جدید

به غیر از تأثیر فرهنگ در توسعه و تمدن سازی، شاید بتوان یکی از مهم ترین شاخصه های کلان تمایز جامعه قرن ۱۹ و ۲۰ با قرون گذشته را در قرار گرفتن «فرهنگ» به عنوان یکی از کلیدی ترین و کاربردی ترین عناصر ارتباطی بین جوامع و دولت ها و در یک کلمه، کلیه ارتباطات انسانی به حساب آورد. دست کم اینکه بخش وسیعی از ارتباطات نوین، از این منظر و با بهره بری از نقش و توان مسائل فرهنگی انجام می پذیرد. و بی دلیل نیست که عصر امروز، عصر تبادل ارتباطات فرهنگی نامیده می شود (حسینی، ۱۳۹۰). یکی از نمونه های عینی که می تواند نشانگر تحلیل مزبور باشد در نظر گرفتن شیوه های استعمار کهنه و قدیم و مرز بین آن دو در اهمیت یافتن مسائل فرهنگی و تغییر مشی از منظر ارتباطات فرهنگی است (همان منبع). به این معنا که اگر در شیوه های استعمار قدیم و کهنه، بیشتر از راه کارهای فیزیکی و عملیات نظامی و مشابه آن استفاده می شد، استعمار نو، بهره گیری از راه های ارتباطی فرهنگی را مدنظر قرار داده؛ چرا که این شیوه در عین پنهانی و ناآشکار بودن، دارای تأثیر نفوذ بسیار بیشتر و ماندگارتری در جوامع خواهد بود. پیش تر هم اشاره شد که یکی از مهم ترین بسترهای ایجاد و پدیدآوری هر تمدنی از قالب و در مجرای فرهنگ سازی یک جامعه صورت می پذیرد. بنابراین، استعمار نو از این طریق می تواند به سه نتیجه دست یابد:

۱. تأثیر گذاری مخفی؛

۲. تأثیر گذاری ماندگار؛

۳. تأثیر گذاری تمدنی.

هر یک از سه هدف مزبور به تنهایی نیز مطلوب است، اما با اصل قرار دادن ارتباطات فرهنگی، سه هدف یک جا به دست می آید (حسینی، ۱۳۹۰).

ب. فرهنگ و تمدن

از سوی دیگر، نباید از تأثیر مهم فرهنگ در تمدن سازی نیز غفلت ورزید. هر تمدنی برای پایداری خود نیازمند فرهنگ سازی است؛ چرا که بدون عنصر فرهنگ یکی از اصلی ترین شالوده های تمدن بشری استوار نخواهد شد. بی تردید، از آن رو که نظام آموزش عالی نیز یکی از ارکان مهم فرهنگی و جزئی از آن به حساب می آید، باید به نقش کلیدی آن در تمدن سازی توجه ویژه داشت (حسینی، ۱۳۹۰).

ج. اهمیت تمدن سازی

در دنیای امروز دو راه پیش روی ملت ها و جوامع بشری وجود دارد: یا باید منفعلانه مرعوب ساخت روابط امروز تمدن حاکم غربی شدو یا اینکه برخوردی فعال را پیش گرفت و در صدد تمدن سازی برآمد. راه نخست، به از دست دادن هویت و ملیت و فرهنگ خودی می انجامد و راه دوم، مسیر بازیابی هویت ملی و بازسازی ریشه های فرهنگی را به روی یک ملت می گشاید (همان منبع). برای بشر کنونی انتخاب سومی مطرح نیست؛ چنانچه جامعه و ملتی به سمت تمدن سازی حرکت نکند و در صدد ریشه یابی وضعیت موجود خود و طراحی مهندسی آرمانی اش برنیاید، به ناچار باید تن به پذیرش حاکمیت تمدن غربی و سیطره آن بر تمامی قلمروهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه خودی بدهد. در نتیجه، اگر به نقش مهم فرهنگ در تمدن سازی پی بردیم، به اهمیت دو چندان فرهنگ سازی برای دست یابی به شالوده های تمدنی جدید نیز رهنمون خواهیم شد (حسینی، ۱۳۹۰).

د. فرهنگ و توسعه

امروزه یکی از شاخصه های کشورهای در حال توسعه را مسئله «فرهنگ» و به ویژه نقش نظام آموزش عالی در آن می دانند. فرهنگ و میزان و سطح ارتقای آن، معیاری برای توسعه یافتگی به حساب می آید و در این زمینه، سخن از نقش نظام آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان مهم فرهنگ ساز است. نه تنها کشورهای در حال توسعه بلکه هر کشور و

جامعه ای در دنیای جدید نمی تواند از تأثیر مهم فرهنگ در رشد و پیشرفت جوامع دور باشد (همان منبع).

۵. دانشگاه امروز

امروزه مهم ترین نقش و حساسیت نظام آموزش عالی و دانشگاه ها، فرهنگ سازی در جوامع است. دست یابی به توسعه جامع و پایدار جامعه اسلامی، ایجاد زمینه برای تمدن سازی آرمانی و مطلوب اسلامی-ایرانی، ذوب نشدن در ساخت روابط موجود تمدن غربی، و حضور فعال در پی ریزی مهندسی ارتباطات فرهنگی دنیای امروز و مقابله در برابر هجوم فرهنگی استعمار مدرن از دیگر تأثیرات آموزش عالی در جامعه ما به شمار می آید (حسینی، ۱۳۹۰). فرهنگ؛ دانشگاه؛ توسعه جامعه؛ عصر ارتباطات نو عصر استعمارنو؛ تمدن سازی؛ همه موارد مزبور نشان دهنده معیارهایی است که دانشگاه امروز در جامعه ما باید خود را برای آن آماده سازد تا بتوان ادعا کرد نیازهای پیرامونی خود را به درستی شناخته است. به هر میزانی که از این ملاک ها دور شویم، در حقیقت، دانشگاه و نظام آموزش عالی را از دنیای جدید و لوازم ضروری آن دور ساخته ایم. (همان منبع).

بخش دوم: بررسی مفهوم توسعه فرهنگی

فرهنگ واژه ای است با معانی بسیار و گسترده که تا به حال تعریف واحدی از آن صورت نگرفته است. از نظر یونسکو، فرهنگ، کلیت تاملی از ویژگی های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در بر می گیرد بلکه شامل آیین های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام های ارزشی، سنت ها و باورهاست. (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۳). در تعریف دیگر فرهنگ عبارت است از مجموعه ای از (آداب، سنن، باورها، ارزش ها و...) می باشد که مورد پذیرش مردم یک جامعه قرار گرفته و بر اساس آن عمل نموده و می نمایند، به گونه ای که پذیرش های یاد شده به هنجارهای اجتماعی تبدیل گشته و ارزش گذاری جامعه بر اساس آن صورت پذیرد. به طور کلی در تعاریف صورت گرفته از فرهنگ، وجوه اشتراکی وجود دارد که

شامل: ۱-محوریت انسان به عنوان عامل ایجاد، دگرگونی، انتقال و تثبیت فرهنگ در جامعه. ۲-تلقی فرهنگ به عنوان عامل ادامه حیات انسان. ۳-جریانی بودن فرهنگ و در برگیرندگی زمان‌های متفاوت (گذشته، حال و آینده). ۴-عامل ایجاد باور، ارزش و هنجارهای رفتاری جامعه. ۵-ذاتی نبودن فرهنگ ۶-بازتاب ارزش‌های یک جامعه نسبت به مسائل مختلف و شکل زندگی و رویکرد آنان به جهان هستی. (ناظمی اردکانی، دکتر کشاورز، ۱۳۸۵). توسعه فرهنگی به دنبال توسعه بخشیدن به فرهنگ جامعه می‌باشد و البته این امر، خود مستلزم برخورداری از رویکردی فرهنگی نسبت به توسعه می‌باشد. به عبارت دیگر، رابطه متقابلی میان فرهنگ و توسعه برقرار است و هر یک از دیگری تاثیر می‌پذیرد. مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می‌باشد. (همان منبع). توسعه فرهنگی با تاکید بر هویت فرهنگی، بهینه‌سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسائل مربوط به خود را نوید می‌دهد و به اخلاق و آداب و سنن جامعه بهبود می‌بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می‌افزاید (نظیرپور، ۱۳۷۸: ۴۴). در سال ۱۹۸۲، در قطعنامه شماره ۲۷ کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی مکزیکوسیتی، به کنفرانس عمومی یونسکو توصیه شده بود که اعلام دهه جهانی توسعه فرهنگی را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کند. (دوپویی^۱، ۱۳۷۴: ۲۳). در نتیجه توجه به توسعه فرهنگی به تدریج یک ضرورت تلقی شد، زیرا این اعتقاد وجود داشت که توسعه فرهنگی همگام با توسعه اقتصادی نیست بلکه فراتر از آن است و عامل پویایی و نوآوری است. (همان، ص: ۳۹). در بیان تعریف "توسعه فرهنگی" گفته شده است: "فرایند ارتقا و اعتلای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعه فرهنگی می‌نامند که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی

^۱ Dupuy

انسان ها فراهم می سازد^۱. در این تعریف چند نکته حایز اهمیت وجود دارد، از جمله این که منظور از شئون گوناگون فرهنگ، نگرش ها، ارزش ها، آداب و رسوم، قوانین، سنت ها و هنجارها و... است. (صباغ پور، ۱۳۸۵). توسعه فرهنگی جریان دائمی و همیشگی است که نمی توان برای آن در جوامع انسانی حد نهایی معین کرد و از جمله ابعاد اصلی فرایند توسعه محسوب می شود، به نحوی که زمینه و بستر مناسب را برای توسعه فراهم می سازد. بنابراین توسعه فرهنگی از سویی علت توسعه و از سوی دیگر معلول آن است، با توجه به این نکته که محوری ترین هدف در توسعه فرهنگی کمال انسان هاست. گرچه توسعه فرهنگی، بعدی از ابعاد توسعه است اما فرهنگ در تمامی جنبه های زندگی بشری به صورت آشکار و نهان حضور دارد. (همان منبع). بنابراین با توسعه فرهنگی در ابعاد دینی، اجتماعی و سیاسی، بعد اقتصادی فرهنگ نیز توسعه می یابد. در واقع توسعه فرهنگی منجر به توسعه اقتصادی (توسعه تکنولوژیکی و رشد اقتصادی) شده به نوبه خود از آن تاثیر می پذیرد. (صباغ پور، ۱۳۸۵).

مفهوم توسعه فرهنگی توسط سازمان یونسکو در دهه ۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان طی جلسات گوناگونی شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به صورت برنامه ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. همچنین این مفهوم تا آنجا برای یونسکو با اهمیت بود که دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ توسط این سازمان به عنوان دهه توسعه فرهنگی نامیده می شود (تابش، ۱۳۸۸). نکته ای که در بحث از فضای مفهومی توسعه فرهنگی حایز اهمیت است این است که در مواردی توسعه فرهنگی را با فراموش کردن و بریدن و گسستن با سنت های گذشته یکسان می انگارند؛ در حالی که به تعبیری «توسعه فرهنگی به معنای گسستن از سنت های گذشته نیست؛ زیرا سنت ها انباشت و ذخیره تجارب گذشته یک جامعه است» (صباغ پور، ۱۳۸۵). توسعه بر مبنای گسترش سنت ها و تجارب گذشته انجام می گیرد و نه بر اساس نفی آن ها. توسعه فراگردی است که در آن سنت ها و تجارب گذشته از نو و بر اساس نیازها و شرایط تازه باز اندیشی و باز

^۱ Cultural Development

سازی می‌شوند و از این طریق جامعه خود را بارور می‌کند و توانایی‌های بالقوه انسان‌ها شکوفا می‌شود. از این جهت مفهوم هویت فرهنگی از مفهوم توسعه جدا نیست (صباغ پور، ۱۳۸۵). توسعه فرهنگی را در علوم فرهنگی این چنین تعریف کرده‌اند: «ارتقا و اعتلای زندگی فرهنگی جامعه و دستیابی به اهداف و ارزش‌های متعالی فرهنگی؛ نیز، کارآمدی یک فرهنگی در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی، معنوی و مادی انسان‌ها» توسعه فرهنگی را می‌توان فرایند ارتقای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد شد (شیرکوند، ۱۳۹۱). سازمان جهانی یونسکو نیز توسعه فرهنگی را چنین تعریف نموده است: «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد.» (شیرکوند، ۱۳۹۱).

بخش سوم: اهمیت توسعه فرهنگی و ضرورت آن

هدف نهایی توسعه فرهنگی در واقع غرض و منظور اصلی هر نوع توسعه‌ای است؛ یعنی رشد و تعالی انسان، هم در ابعاد مادی و هم در بعد معنوی. البته روشن است که دستیابی به این هدف جز در صورت مناسب بودن بستر زیست انسان، که همانا جامعه است، محقق نمی‌شود. بنابراین در یک الگوی مناسب برای توسعه، باید راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی پیش‌بینی شود. فرهنگ تمامی ابعاد مادی و معنوی جامعه را در بر می‌گیرد. لذا توسعه فرهنگی تمامی شئون زندگی بشر را شامل خواهد شد. (شیرکوند، ۱۳۹۱). بستر مناسب توسعه از مسیر تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها به دست می‌آید. از این رو، در روند توسعه ایجاد تغییر در این دو مقوله باید در صدر برنامه‌ها قرار گیرد. البته نباید این امر را دال بر از دست رفتن کامل فرهنگ یک جامعه و جایگزینی آن با فرهنگ یک جامعه و جایگزینی آن با فرهنگی بیگانه قلمداد کرد. باید توجه داشت که توسعه فرهنگی همان‌طور که از سویی زمینه ساز و علت توسعه ابعاد دیگر جامعه است، در دیگر سو، معلول آن‌ها نیز می‌باشد (همان منبع). با نگاهی کل‌نگرانه به فرهنگ به روشنی مشخص است که فرهنگ حوزه‌ای فرا بخش است که سایر حوزه‌ها را از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

و نظامی را در خود جای داده است. از این رو، لازم است همه بخش ها و عرصه های سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی از توسعه فرهنگی تأثیرپذیرند تا خود نیز با بهره مندی از توسعه فرهنگی در مسیر امنیت ملی قرار گیرند. (شیرکوند، ۱۳۹۱). با اذعان به اهمیت و ضرورت توسعه فرهنگی به عنوان مبنای امنیت ملی و هویت ملی، اینک لازم است برخی از روش ها یا شیوه های توسعه فرهنگی را نام برد. (شیرکوند، ۱۳۹۱).

۱-سیاست گذاری های فرهنگی و ترسیم بایدها و نبایدهای فرهنگی در راستای هدایت و نظارت بر جامعه.

۲-برنامه ریزی فرهنگی به معنای علمی نیازها و تعیین اقدامات مناسب.

۳-آموزش و تعلیم مهارت های فرهنگی با تربیت مدیران و کارگزاران عرصه فرهنگ.

۴-اطلاع رسانی و به روز نمودن اطلاعات فرهنگی در سطح جامعه.

۵-پژوهش فرهنگی به معنای واقعی کلمه تا مرحله تولید علم. (همان منبع).

با توجه به تعاریف مطرح شده فرهنگ سیاست گذاری و برنامه ریزی و طراحی اقدامات و فعالیت ها در حوزه مدیریت فرهنگی می باید همواره بعد زیرین فرهنگ را مورد توجه قرار دهد. زیرا هرگونه برنامه ریزی در این حوزه بدون توجه بعد معنوی فرهنگ اثربخش نخواهد بود (رامشک، ۱۳۸۸). از سوی دیگر اثرات ابعاد معنوی فرهنگ از طریق: محصولات، آثار، فعالیت ها و مصرف فرهنگی در قالب سطح مشهود آن می توان مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین برای بهبود آثار سیاست ها و اقدامات فرهنگی توجه متعادل به هر دو بعد فرهنگ الزامی است. علاوه بر این هرگونه برنامه ریزی در حوزه فرهنگ باید به کمال رسیدن استعدادها و شایستگی های انسان در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهد (همان منبع). از این حیث می باید میان برنامه ریزی فرهنگی و برنامه ریزی در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباطی زنده و پویا طراحی نمود تا از مجرای امکان استفاده از ظرفیت های متقابل در راستای توسعه همه جانبه جامعه و کشور

فراهم شود (رامشک، ۱۳۸۸). این امر نشان می‌دهد اولاً برنامه ریزی در حوزه فرهنگ، گستره‌ی بیشتری را در مقایسه با دیگر حوزه‌ها در بر می‌گیرد. ثانیاً در طراحی برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با سطح شهود فرهنگ همواره باید این تعاملات در نظر گرفته شود. فرهنگ در بسیاری از موارد نه تنها راه رسیدن به اهداف دیگر توسعه است، حتی مهم‌تر از آن، بنیاد هویتی و معنایی تمامی آرزوها و اهداف زندگی نیز هست. (دکوئیار)^۱ زیرا فرهنگ است که تعیین می‌کند اعضای آن فرهنگ، رابطه‌شان را با محیط و مردم درون و بیرون فرهنگشان چگونه تنظیم و حفظ کنند. فرهنگ است که معین می‌سازد، چگونه اطلاعات دریافتی از محیط، روش تفسیر و روش مورد استفاده آن را درک کرده و به کار بریم. به عبارت دقیق‌تر، فرهنگ واقعیات را برایمان معنا می‌کند. (تری یاندیس)^۲، ۱۳۷۸:

۷۴ - ۷۷) فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی دو مفهوم بسیار مهم در برنامه ریزی ملی در دوره‌های اخیر، مفاهیم فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی است، مفهوم فرهنگ توسعه ناظر است به مشکل اقتصادی توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع و توسعه فرهنگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای آحاد افراد جامعه تا به شاخص‌های رشد فرهنگی جامعه عمل پیوشانند. توسعه فرهنگی یعنی ارتقاء و اعتلای زندگی فرهنگی در جامعه، یعنی دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگی (همان منبع). در مقوله فرهنگ توسعه فرهنگ هدف نیست آنچه هدف و غایت برنامه و فعالیت است، توسعه و مشخصه‌های توسعه یعنی تولید، بهره‌وری، بالا رفتن درآمد سرانه و رشد اقتصادی جامعه است (تری یاندیس، ۱۳۷۸: ۷۴ - ۷۷). اما در رویکرد توسعه فرهنگی توسعه انسانی و داشتن انسان‌های پویا سرزنده، آگاه، درست کردار، ارزشگرا و اهداف اصلی توسعه قرار می‌گیرند. مفهوم توسعه فرهنگی مفهوم تازه‌ای از فرهنگ را در بر دارد که اهمیت کمتر از مفهوم تازه توسعه نیست. به محض اینکه فرهنگ را یک عامل و عامل اساسی در فراگرد توسعه شناختیم باید همچون خود توسعه آن را موضوعی مربوط به تمامی جامعه بدانیم، وارد کردن جنبه فرهنگی در توسعه به معنی گسترش دادن توسعه تا آن اندازه است که تمامی انسان را در بر

^۱-Dkvyar

^۲-Terry Yandys

می گیرد(همان منبع). از سوی دیگر فرهنگ را جنبه ای از توسعه دانستن به معنی گشودن فرهنگ به روی همگان است. اصول توسعه فرهنگی:

۱. آموزش نقش بزرگی در سرعت بخشیدن به گردش چرخه فرهنگی و ایجاد تعادل فرهنگی برعهده دارد.

۲. به عنوان مثال توسعه زمانی تحقق می یابد که علم به فرهنگ تبدیل شود. علوم و فنون در درجه اول دستاورد فرهنگ خاصی هستند. فرهنگ سرچشمه ی شناخته شده علمی است و دستاوردهای علمی به نوبه خود بر فرهنگ تاثیر می گذارد و آن را متحول می کنند.

۳. هرچه سرعت چرخه فرهنگی بیشتر باشد، آن فرهنگ غنی تر می گردد. در این راه وسایل ارتباط جمعی باید تقویت گردند.

۴. با توجه به توسعه همه جانبه کشورها باید در اهداف توسعه فرهنگی موسسات و ادارات فرهنگی تقویت گردند(همان منبع). نقش رسانه ها و مطبوعات در توسعه فرهنگی امروزه، جامعه ای توسعه یافته تلقی می شود که بتواند در کنار شاخصه های اقتصادی بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تاکید کند. (تری یانديس^۱، ۱۳۷۸: ۷۴ - ۷۷). در چنین جامعه ای رسانه و رسانه ها و مطبوعات با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش مهمی در بالا بردن سطح اطلاعات و فرهنگ دارند و جامعه را به سوی توسعه کمک می کنند. اگر معضلات جامعه را خوب بشناسیم و اهمیت فناوری را در حل مشکلات در نظر بگیریم کمبودهای فکری، دیدگاه های غلط و موانع مفهومی و فرهنگی که وجود دارد را می توان به جامعه معرفی کرد. در اینجا رسانه ها در توسعه نقش مهمی به شمار می آیند(همان منبع). اگر می خواهیم در کشورمان توسعه و پیشرفتی حاصل شود باید ضعف های فرهنگی خودمان را بشناسیم. در اینجا است که تاثیر رسانه ها به عنوان پارامترهای مهم توسعه فرهنگی آشکار می شود و در جامعه با کارکردهای اطلاع رسانی، آموزشی، تفریحی و سرگرمی خود به توسعه همه جانبه کمک می کند(تری یانديس،

^۱-Terry Yandys

۱۳۷۸ : ۷۴ - ۷۷). جایگاه توسعه فرهنگی در سند چشم انداز در سیاست گذاری ها در یک دو مفهوم اساسی در حوزه توسعه فرهنگی، یعنی "سیاست فرهنگ" و "استراتژی فرهنگی" بسیار ضروری است. به طور خلاصه می توان گفت سیاست های فرهنگی، مجموعه تصمیمات کلان و چارچوب های قانونی خاصی هستند که حکومت ها برای حفظ و استقرار شرایط فرهنگی - اجتماعی مطلوب و مناسب در جامعه اتخاذ می کنند. به عبارت دیگر سیاست فرهنگی مایل به حفظ وضعیت فعلی جامعه (ایستایی نه تغییر و پویایی) هستند (تری یاندریس، ۱۳۷۸ : ۷۴ - ۷۷). شایان ذکر است که سیاست های فرهنگی نوین و پیشرفته، ناظر به پویایی نظام مند و در نتیجه کند هستند. در مقابل استراتژی فرهنگی، ناظر به نحوه توسعه فرهنگی کشور (در راستای اهداف استراتژی کلان توسعه ملی) است و در واقع نحوه تغییر شرایط فرهنگی فعلی کشور به وضعیت مطلوب آینده را تعیین می کند. پس استراتژی فرهنگی، صریحا بر ایجاد "تغییر و بهبود" تاکید می ورزد و در یک کلام، حالت انفعالی (هم چون سیاست های فرهنگی) ندارد بلکه حالت تهاجمی تر و یا به تعبیری آینده نگرانه به خود می گیرد. نقش و جایگاه توسعه فرهنگی در سند چشم انداز فرهنگ و هنر بنیان جامعه را پی ریزی می کند و هر قدر هم که نوپا باشد، دوام و بقای آن مبتنی بر اصول فرهنگی است که هویت جامعه و افراد آن را می سازد (همان منبع). بنابراین مهم ترین رکن هویت بخش در هر جامعه پیشینه و غنایم فرهنگی آن است. با توجه به این امر و تاکید بر این نکته که کشور ایران دارای یکی از کهن ترین و اصیل ترین فرهنگ های جهان است، سیاست گذاران و مسئولان کشور را بر آن می دارد که فرهنگ را از ارکان اساسی جامعه محسوب و جایگاه ویژه ای برای آن در تدوین و تعیین اهداف و سیاست های کلان و بلند مدت کشور قائل شوند. این رویکرد تا جایی پیش رفته که روح حاکم بر چشم انداز بیست ساله ایران نیز مبتنی بر فرهنگ و مولفه های هویت بخش آن است (تری یاندریس، ۱۳۷۸ : ۷۴ - ۷۷).

بخش ششم: کارکردها و فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه

سراج زاده در خصوص نقش و اهمیت دانشگاه در جامعه امروز می‌گوید: "گفته می‌شود که دانشگاه، قلب جامعه جدید و مرکز آن است. دانشگاه این نقش را به این دلیل ایفا می‌کند که نظام اجتماعی امروز چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، مبتنی بر عملکرد نهادهای بسیار پیچیده و در هم تنیده‌ای است که همه این نهادها برای تداوم حیات خود، به استفاده از دستاوردهای علم و فناوری نیازمندند و مراکز تولید این علم و فناوری، دانشگاه‌ها هستند (مشاطیان، ۱۳۷۹: ۱۱). از این نظر، اغراق نیست اگر بگوییم دانشگاه، مرکز جامعه مدرن است. کارکردهای اصلی دانشگاه را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد: کارکرد آموزشی، کارکرد پژوهشی و کارکرد جامعه‌پذیری.

منظور از کارکرد جامعه‌پذیری آن است که معمولا از دانشگاه این انتظار می‌رود که افرادی را تربیت کند که شهروندان خوبی برای جامعه بوده و آماده ایفای نقش‌های خود در جامعه جدید باشند (مشاطیان، ۱۳۷۹: ۱۱). عده‌ای از صاحب‌نظران، فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان را ابزاری می‌دانند برای بهبود شرایط یادگیری دانشجویان و از حاشیه به متن آمدن فعالیت‌های جمعی دانشجویی (همان منبع).

بخش هفتم: نقش فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان در تحقق توسعه فرهنگی

به طور کلی، در زمینه روابط متقابل دانشگاه و توسعه فرهنگی، دو پرسش عمده مطرح می‌شود: پرسش نخست، به تاثیر و نقش دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در فرایند توسعه فرهنگی باز می‌گردد و پرسش دوم، به آثار فرایند توسعه فرهنگی بر ساختار دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی توجه دارد. مدارس و دانشگاه‌ها از گرانباترین ذخایر شناخته می‌شوند که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. امروزه این مراکز در سطح جهان، به لحاظ دارا بودن دانش و فن، از اعتبار زیادی برخوردارند و از عوامل عمده دگرگونی اجتماعی به شمار می‌آیند. نهادهای آموزش عالی باید جوانان را برای تغییرات و دگرگونی‌های مداوم در جهان سراسر متحول امروزی آماده کنند (نیستانی، رامشگر،

۱۳۹۲). به همین دلیل، دانشگاه‌های معتبر نمی‌توانند صرفاً به صلاحیت فنی و علمی خود بسنده کنند، بلکه باید رسالت فرهنگی خود را با توجه به ساخت اجتماعی و فرهنگ بومی‌شان به انجام رسانند. دانشگاه‌های بزرگ جهان، فرهنگ ساز بوده و در برهه‌هایی از زمان، تاثیر پذیری ژرف بر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشته‌اند (نیستانی، رامشگر، ۱۳۹۲). دانشجویان به علت وضعیت سنی و اجتماعی، از قدرت فعالیت بالایی برخوردارند و دارای جنبه‌های متعدد خلاقیتی‌اند یا با آن روبرو می‌شوند. از زمان آغاز به کار موسسات آموزش عالی در ایران، همواره شاهد حضور تعیین کننده و تاثیر گذار دانشجویان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و علمی کشور بوده‌ایم. نظر به اینکه در همه زمان‌ها و مکان‌ها، دانشگاه‌ها را محور عقلانی و مرکز تجمع اندیشمندان و نخبگان جامعه می‌دانند، لذا نقش موثر دانشگاه در بسط فرهنگ جامعه ضروری می‌نماید (همان منبع). دانشجویان به عنوان مخاطبان اصلی دانشگاه‌ها، گروهی فعال، پر تحرک و برخوردار از انرژی و توانایی‌های قابل ملاحظه‌اند که می‌توانند در جریان فعالیت‌های جامعه برای نیل به پیشرفت و ترقی روز افزون، در کلیه حوزه‌های صنعتی و اقتصادی و به ویژه حوزه‌های فرهنگی، نقش مهمی را بر عهده‌گیرند. با توجه به زمینه‌های موجود در جامعه دانشجویان باید مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌ها از جمله برنامه‌ریزی، فهم فرهنگی، قابلیت انجام کار گروهی، قابلیت استفاده از فناوری و توانایی برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات و را در خود درونی کنند (نیستانی، رامشگر، ۱۳۹۲). فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها، در شکل درست آن، به علت دارا بودن ویژگی‌هایی از قبیل موارد ذیل، زمینه مناسب را برای توسعه فرهنگی و به تبع آن توسعه همه جانبه برای فرد، دانشگاه و جامعه فراهم می‌کنند:

۱- ایجاد زمینه برای پرورش استعدادها و توانایی‌های بالقوه دانشجویان.

۲- ایجاد علاقه به محیط دانشگاه.

۳- ایجاد زمینه برای تجربه مشارکت و کار گروهی.

۴- ایجاد زمینه برای تمرین مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن در قبال وظایف محوله.

۵- تمرین برنامه ریزی و مدیریت فعالیت‌ها.

۶- تقویت روحیه نظم و احترام به حقوق دیگران.

۷- بالا بردن قدرت ابتکار و خلاقیت در برخورد با موقعیت‌های پیش‌بینی نشده و غیر منتظره.

بدیهی است جامعه ما در حال حاضر درگیر بحران‌هایی از جمله: بحران اقتصادی سیاسی، مدیریت و بحران فرهنگی است که این بحران‌ها، دارای تاثیر متقابل بر یکدیگرند. ولی به نظر می‌رسد بحران فرهنگی موجود در جامعه، نقش پایدارتری ایفا می‌کند. تعدادی از مشکلات فرهنگی مبتلا به جامعه ما، عبارتند از: نبود فرهنگ کار گروهی، ناصحیح بودن الگوهای مصرف، منفی‌نگری، نبود فرهنگ کار به عنوان ارزش عدم توجه به برنامه ریزی، توجه نداشتن به عامل زمان و... (نیستانی، رامشگر، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، دانشگاه‌ها با توجه به نقش و مسئولیت خود در جامعه و همه توانایی‌ها و منابع بالقوه‌ای که در اختیار دارند، به علت استفاده صحیح از این نیروها و به دلایلی همچون:

- عدم تلقی صحیح مدیران ارشد دانشگاه‌ها از فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان، چرا که بسیاری از مدیران، این فعالیت‌ها را در قالب فعالیت‌های فوق برنامه خلاصه کرده، بسیار سطحی به آن می‌نگرند.

- عدم مشارکت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان، نظر به اینکه اساتید دانشگاه‌ها همواره به عنوان اثرگذارترین قشر بر روی دانشجویان مطرح بوده‌اند و در بسیاری از مسائل، الگوی تام و تمام برای جوانان می‌باشند، عدم همکاری آنان ضربات سختی چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی بر فعالیت فرهنگی دانشگاه‌ها وارد آورده است (حبیبی فهیم، ۱۳۷۸: ۱۱).

- مشکلات ساختاری و شکاف بین نسل‌ها، "دانشجویان مطالبی را بر زبان می‌آورند یا می‌نویسند که در مسئولان و مدیران دانشگاه سوء تفاهم ایجاد می‌کند و این سوء تفاهم‌ها منجر به بحران می‌شود". (حبیبی فهیم، ۱۳۷۸: ۱۱) همچنین بالا رفتن امید به زندگی افزایش سرعت تغییر و اختراعات و... مسائلی است که روز به روز شکاف نسل‌ها را تشدید می‌کند.

بخش هشتم: نقش دانشگاه در مهندسی فرهنگی کشور

وقتی دانشگاه، عقبه علمی و نهادینه سازی مهندسی فرهنگی شد تا در عرصه فرهنگ به درستی مهندسی شده و به تناسب شرایط محیطی، بالندگی یابد و هدف‌های رفتاری در دانشجویان محقق گردد، می‌توان نقش‌های ذیل را برای دانشگاه برشمرد: (همان منبع).

بند اول: نقش بیداری

در این نقش دانشگاه تلاش می‌کند با ایجاد بسترهای فکری و ارزشی در راستای فرهنگ حقیقی، زمینه‌های تحول فکری و ارزشی در راستای فرهنگ حقیقی، زمینه‌های تحول فکری و ارزشی را فراهم کند تا افراد جامعه هر روز بیش از پیش به فرهنگ حقیقی نزدیک شده و لایه‌های مختلف زندگی خود را بر اساس آنها پایه‌ریزی نمایند و از میزان مقاومت آنان در مقابل گزاره‌های برخاسته از فرهنگ حقیقی کاسته شود. تاریخ به خوبی گواه این حقیقت است که مهم‌ترین مانع رشد و توسعه و بالندگی، تبعیت و تقلید کورکورانه از باورهای گذشتگان است و دانشگاه محیطی است که می‌تواند این فضا را بشکند و با نهادینه سازی دین باوری، خود باوری و اتکا به نفس را در جامعه، توسعه و نهادینه سازد.

بند دوم: آینده پژوهی فرهنگی

یکی از مسائل مهمی که مهندسی فرهنگی کشورها با آن مواجه بوده و خواهد بود تهدیدها و آسیب‌هایی است که از درون و بیرون بر لایه‌های مختلف فرهنگ در انواع مختلف آن

وارد می شود که باید قبل از رخنه و نفوذ، مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و معبرهای نفوذی مورد شناسایی قرار گیرند و گرنه ویروس فرهنگی وارد جامعه شده و تلفات خواهد گرفت. لذا مرکزی باید مسئولیت شناسایی و ویروس و ساخت ضد و ویروس هارا برعهده گیرد تا با ساخت ابزارها و واکسن های لازم، امکان مصونیت را برای جامعه فراهم کند و این مهم تنها از مجامع علمی و دانشگاهی برمی آید.

بند سوم: نهضت نرم افزاری

تولید علم و نظریه پردازی: دکترین ها و نظریه هادر جوامع انسانی به مثابه محفلی می مانند که در آن فعالیت های دولتمردان رنگ گرفته، جهت دهی می شوند و مبنای شکل گیری استراژی های مختلف قرار می گیرند. نگاهی هرچند گذرا به تاریخ معاصر این امر را به وضوح به اثبات می رساند، نظریه هایی مانند هارتلند، برخورد تمدن ها و خاور میانه بزرگ نمونه هایی هستند که به دنبال خود، جنگ ها و کشتارهای زیادی برجا گذاشته اند. خیزش این نظریه ها در دانشگاه ها و مجامع علمی بوده است. لذا اندیشمندان و علمای کشور باید به سوی زایش نظریه هایی در عرصه های علوم انسانی حرکت کنند و بر پایه فرهنگ ناب محمدی (ص) نظریه هایی به تناسب شرایط ارائه کنند که البته نیازمند فعالیت و خلاقیت در حوزه های مختلف است و با تقلید و ترجمه گویی صرف نمی توان به آن دست یافت.

بند چهارم: کار آفرینی

انسان ها برای اینکه بتوانند به درستی و با سرعت، مسیر رشد و ترقی را طی کرده و به کمال راستین برسند، باید از فرصت های پیش آمده به درستی استفاده کنند و گرنه جز حسرت، پشیمانی و افسوس و در نهایت، عقب ماندگی از قافله ترقی نتیجه ای نخواهند گرفت، چراکه فرصت ها به سختی خودنمایی می کنند و به سرعت صحنه را خالی می کنند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امروزه جوامع پیشرفته به خوبی به اهمیت این نکته پی برده و با تاسیس رشته های کار آفرینی و حتی دانشگاه های کار آفرین، به ترویج و تعمیق این مهارت اقدام کرده اند.

بند پنجم: تعلیم و تربیت

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نقش دانشگاه‌ها در مهندسی و توسعه فرهنگی، تعلیم و تربیت اسلامی است که با تحقق آن، اهداف چهارگانه فوق نیز محقق می‌شود. با تعلیم، بسترهای تصویری و تصدیقی مهیا شده و مسائل به‌درستی شناسایی می‌شوند و با تربیت، گزاره‌های علمی به حوزه‌های شخصیتی ورود پیدا کرده و در آنها نهادینه می‌شوند و بستر و ظرفیت لازم برای شکوفایی استعدادها و کشف آنها مهیا شده و خود اتکایی، توکل و اعتماد به نفس ظهور یافته و فضای جامعه برای رشد و بالندگی آماده می‌شود. در این صحنه است که علم با دین، تلاشگری با اخلاق، تضارب آرا با سعه صدر، تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه، دنیا با آخرت همراه می‌گردد و این نکته آغازین دانشگاه اسلامی است (بابائی، محمد باقر، ۱۳۸۴).

بخش نهم: جایگاه دانشگاه در فرایند تحولات فرهنگی

فرهنگ همان سبک و سیاق زندگی است که مستند به مبانی فکری و ارزشی است و به خوبی می‌دانیم که مراکز علمی جایی است که به توسعه و رشد این دو اقدام می‌کنند و مهارت‌های رفتاری متناسب با نیازهای اجتماعی را آموزش می‌دهند و نهادینه می‌سازند. به تعبیر دیگر، حفظ سنت‌های علمی یا آکادمیک از وظایف مهم تعلیمات دانشگاهی است (شریعتمداری، ۱۳۷۶، ص ۱۳) و مقصود از سنت علمی، موضوعات ذیل می‌باشد:

۱- آزاد ساختن فکر از نفوذ هر نوع عامل محدود کننده، مانند عادات، تعصبات، شرایط اجتماعی، تجربیات قبلی و عقاید و افکار. دانشجو برای اینکه به خلاقیت ذهنی دست یابد و به زایش علمی برسد، راهی جز رها سازی روح و اندیشه از تعصبات و موارد دیگر ندارد تا به دور از تعلقات، آنها را در کنار یکدیگر قرار داده، به نتایج بهتر دست یابد.

۲- ایجاد روح علمی، منظور از روح علمی، ایجاد و رشد خصوصیات است که در عادات، تمایلات، افکار، نحوه قضاوت و طرز برخورد افراد در مقابل مشکلات آشکار می‌شود و

هدف از آموزش دانشگاهی، تغییر عادات، تمایلات، افکار، نوع قضاوت و طرز برخورد دانشجویان است.

۳- تربیت متخصصان در زمینه های مختلف.

۴- تربیت عمومی، شامل اطلاعات و مهارت هایی که برای ادامه زندگی در جامعه امروز به دانستن و کسب آنها نیاز است.

۵- توسعه میراث فرهنگی، یعنی آنچه از گذشتگان در زمینه دینی، فلسفی، هنری، اخلاقی و آداب و رسوم به ما رسیده است.

۶- حل مسائلی که جامعه گریبان گیر آنهاست یا در آینده با آنها مواجه خواهد شد (ر. ک. به: همان، ص ۲۰-۱۳).

بنابراین، دانشگاه با تعمیق، رشد و توسعه سنت علمی، ورود جدی در حوزه فرهنگ پیدا می کند. دقت منطقی در سنت علمی ما را با این حقیقت رهنمون می سازد که در واقع سنت علمی اشاره به لایه های زیرین فرهنگ جوامع دارد که به کمک آنها لایه بیرون فرهنگ، یعنی رفتارها و مصنوعات و کالاهای فرهنگی شکل، جهت و هویت می یابد (شاین، ۱۳۸۵، ص ۸۲).

نتیجه گیری و طرح پیشنهادات نویسنده

در نتیجه گیری پایانی این پژوهش باید اذعان داشت کارشناسان آموزشی در حوزه آموزش و پرورش بر این باورند، این نهاد به تنهایی و یک تنه نمی تواند در جریان فرهنگ سازی جامعه موثر عمل کند مگر اینکه سایر نهادها اعم از خانواده و رسانه ها بعنوان قدرت برتر دنیای امروز در کنار و هماهنگ با آموزش و پرورش باشند. عدم تطابق و هماهنگی بین آموزش و پرورش با خانواده، والدین و فرهنگ غالبی که از طریق رسانه های پرنفوذ از جمله فضای مجازی و شبکه های اجتماعی مجازی ترویج داده می شود منجر به گسست فرهنگی می شود که بیشترین آسیب آن متوجه دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه

می‌شود. کارشناسان حوزه رسانه نیز بر باورند در دنیای امروز رسانه‌های سنتی به شدت تضعیف شده‌اند و به عبارتی می‌توان گفت رسانه‌های رسمی به حاشیه کشیده شده‌اند و در عین حال همین رسانه‌های رسمی به دلیل محدودیت‌هایی که دارند نیم‌توانند و توان رقابت با رسانه‌های جدیدتر امروزی اعم از شبکه‌های اجتماعی را ندارند. علاوه بر این رسانه ملی نیز با نگاهی یک‌جانبه‌نگر نمی‌تواند بیانگر افکار و خواسته‌های تمام مخاطبین باشد و حتی این رسانه نیز بجای اینکه کششگر باشد در بسیاری مورد واکنشی عمل می‌کند که در مجموع رسانه‌ای منفعل نیز نمی‌تواند در جریان فرهنگ‌سازی موفق عمل کند. فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب و گسترده‌ای است که در میان عموم جامعه رواج دارد و حوزه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، جلوه‌های احساسی و هنجارها است. بنا بر دیدگاه کارشناسان زمانی که از اصلاح فرهنگ عمومی صحبت می‌شود باید یادآور شد، فرهنگ عمومی واژه کلی است که همه آن معیوب نیست اما در برخی رفتارهای عمومی شاهد مواردی از رفتارها هستیم که نه ریشه در فرهنگ غنی ایرانی و نه ریشه در فرهنگ اسلامی دارد. مواردی همچون قانون‌گریزی، عدم رعایت حقوق شهروندی، کاهش آستانه تحمل، فردگرایی، ریاکاری و تظاهر، فساد اداری، تنزل سطح ادبیات فاخر توأم با ادب و متانت و موارد بسیاری دیگر، بخش‌هایی از فرهنگ عمومی هستند که ضرورت اصلاح فرهنگ عمومی را بیشتر می‌کند. به عبارتی در عین حال که توسعه فرهنگ عمومی باید مورد توجه و تاکید باشد ولی در جاهایی اصلاح فرهنگ عمومی ضروری تر بنظر می‌رسد تا بتوان بین فرهنگ رسمی و فرهنگ عمومی که از جریانی سیال و پیشرو برخوردار است تعادل ایجاد کرد. نهایتاً در جمع‌بندی کلی این پژوهش و در راستای پیشنهادت مطروحه باید به موارد زیر اشاره داشت:

الف) ساختار معاونت فرهنگی با شرح وظایف روشن و مشخص در نظام آموزشی بررسی شد و این ساختار به طور متمرکز به سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان و دانش‌آموزان در جهت توسعه فرهنگی پرداخت.

ب) باتوجه به کارهای موازی موجود در فعالیت های فرهنگی، پیشنهاد می گردد که همگی در ساختار واحدی ادغام شود تا تمرکز و اشتراک مساعی لازم در این خصوص حاصل آید.

ج) نقش کارکنان، اساتید و دانشجویان در برنامه ریزی فرهنگی و فعالیت های فرهنگی بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد و زمینه های انزوای ایشان مرتفع گردد.

د) نظر به نیاز مبرم کشور به توسعه فرهنگی و نیاز مبرم توسعه فرهنگی به وجود آزادی های مشروع، شایسته است به آزادی دانشجویان و دانش آموزان عزیز توجه ویژه صورت پذیرد و امکان فعالیت در فضای توأم با نقد آزاد برای ایشان فراهم آید.

ذ) نظر به اهمیت ارزش های فرهنگی و حفظ آن در میان دانش آموزان، معلمان و اساتید، دانشجویان و دانشگاهیان، شایسته است اقدامات مقتضی نسبت به اشاعه آن صورت پذیرد.

ر) تدوین و طراحی برنامه ریزی جهت توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان دانش آموزان و دانشجویان درخصوص ترویج ارزش های فرهنگی در مدرسه و دانشگاه.

ز) تسهیل شرایط دسترسی به خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دانش آموزان و دانشجویان در جهت پیشبرد اهداف و توسعه فرهنگی مدرسه و دانشگاه.

س) با عنایت به ظهور جامعه اطلاعاتی و تاثیر فناوری های نوین و تاثیر پذیری دانشگاه ها از این مقوله، شایسته است تمهیداتی در خصوص استفاده از فناوری های جدید و خدمات الکترونیکی برای دانش آموزان و دانشجویان در زمینه های فرهنگی، ارتقای خلاقیت، نوآوری تقویت هویت فرهنگی و توسعه آن صورت پذیرد.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- بازرگان، عباس و همکاران (۱۳۸۳)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، موسسه تهران، نشر آگه، چاپ دهم.
- بهشتی سرشت، محسن و درویشی، فرهاد (۱۳۸۳)، اصلاحات، جنبش های اجتماعی جدید و رسالت دانشگاه ها، از دایره المعارف آموزش عالی زیر نظر نادر قلی قورچیان، حمید رضا آراسته و پریوش جعفری، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، صفحه ۱۵۸.
- پور محمد باقر، لطیفه و پور محمد باقر، الهه (۱۳۸۷)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش مراکز دانشگاهی، مجله فناوری و آموزش، سال سوم، جلد ۳، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷، از صفحه ۶۷ الی ۷۴.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۲)، توسعه پایدار از رهگذر توسعه نهادهای ایرانی تولید دانش، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۹۲، چاپ اول.
- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۴)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه، چاپ یازدهم.
- سکاران، اوباما (۱۳۸۸)، روش های تحقیق در مدیریت، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ هفتم.
- شیرکوند، شهرام (۱۳۹۱)، فرهنگ توسعه فرهنگی، سایت حمل و نقل و توسعه، شماره ۵۸، خرداد ۱۳۹۱، از صفحه ۷۴ الی ۸۳.

- شریف زاده، فتاح(۱۳۹۰)، ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن کشور: پژوهشی درباره دوره کارشناسی رشته مدیریت دولتی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور، از جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، از صفحه ۷۹ الی ۱۱۲.

- صادقی، زینب و محتشمی، رضا و میری، امیر و صادقی، سبحان (۱۳۸۹)، خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار، مجله راهبردهای آموزش دوره سه، شماره یک بهار ۱۳۸۹.

- صالح اردستانی، عباس و سعدی، محمدرضا(۱۳۸۶)، تحقیق بازاریابی، سنجش و روش، جلد سوم، تهران: انتشارات آن، چاپ اول.

- صباغیان، زهرا(۱۳۸۱)، چالش های پژوهش در آموزش عالی، مجموعه مقالات، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- عالی پور، یوسف(۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین نوع فرهنگ سازمانی و کاربست مولفه های سازمان یاددهنده در دانشگاه های دولتی و آزاد شهر شهر کرد.

- عباسی، ابوالفضل و هاشمی، سیداحمد و عبدشریفی، فاطمه(۱۳۹۲)بررسی تحلیلی چالش های فراروی توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در نظام های آموزشی، مجموعه مقالات دومین همایش مجازی ره آوران آموزش با محوریت آموزش در عصر دیجیتال، ۳۰ شهریور ۱۳۹۲.

- فرج الهی، مهران و ظریف صناعی، ناهید(۱۳۸۸)، آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی، از مجله راهبردهای آموزش، دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، از صفحه ۱۶۷ الی ۱۷۱، قابل دسترس است در سایت [www. sid. ir](http://www.sid.ir).

ب) منابع لاتین

- Altabach, Philip (۱۹۹۰), The Role of Universities in Promoting Cultural Activities, ۴۴۰-۴۸۵ (۱۹۹۰) .
- Arlene, Goldbard (۲۰۰۸), The Curriculum Project Report, Culture And Community Development In Higher Education .
- Diagnosing Cultural barriers to, Long, David & Fahey, Liam (۲۰۰۰). Knowledge
- Management Academy to management ,Executive, Vol, ۱۴, No. ۴ Pages ۱۱۳-۱۲۷ .
- E. W. Eisner, Professor Of Education and Art Stanford University Stanford, CA , United States of America (۱۹۹۲), International Conference Centre, Geneva, ۱۴-۱۹ September, ۱۹۹۲ .
- Cross, K. Patricia, Harvard Graduate School of Education, (۱۹۸۷), The Changing Role of Higher Education in the United States. Higher Education Research and Development, vol ۶, No ۲, ۱۹۸۷ .
- Nijhoff Publishers, Martinus, (۱۹۸۷), Dordrecht-Printed in the Netherlands, Higher Education ۱۶:۴۴۹-۴۷۹ (۱۹۸۷) .



جهاد دانشگاهی



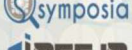
Academia.edu



TBBIN.com



CiteFactor



Symposia



JREF.IR



DRJI



CIVILICA



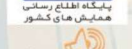
CONF PAPER



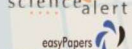
ESJI



ICI WORLD OF JOURNALS



Baltamayah.com



science alert



easyPapers



CONF



INDEX COPERNICUS



کنفرانس یار

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/citefactor/آریزونا)
برگزار می کند:

همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

داوری زود هنگام مقالات

استان تهران - موسسه قانون یار

محورهای همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- * حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲







به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تقدیس به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.



دانشگاه رهنورد



جمهوری اسلامی ایران

جهت تقویت رزومه داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات: ۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱
واحد صدور گواهی نامه: ۴۴۴۴۱۷۶۴ - ۰۲۱
مشاور و راهنمای ارسال مقالات: ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Chanonyar.ir www.Olomensani.ir